

مکتب‌های جغرافیایی

(از آغاز تا کنون)

محمود شریجه

www.ketab.ir



انتشارات پرهام نقش

۱۳۹۳

سرشناسه : سورجه، محموده ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور : مکتب‌های جغرافیایی (از آغاز تاکنون)
مشخصات نشر : تهران، پرهام‌نقش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۳۶-۴ :
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۹۳-۸۱ :



انتشارات پرهام‌نقش

مکتب‌های جغرافیایی (از آغاز تاکنون)

نویسنده: دکتر محمود سورجه

ناشر: پرهام‌نقش

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ انتشار: اول، ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۳۶-۴

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

© کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

مراکز بخش و فروش:

کتابفروشی پرهام، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۳۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

انتشارات سیمای دانش: ۶۶۴۶۳۷۷۹

بسته‌بندی: صحت مطالب کتاب به عهده نویسنده می‌باشد.

www.parhambook.com

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۷	فصل اول: کلیات
۷	مقدمه
۱۲	هستی‌شناسی
۱۳	شناخت‌شناسی
۱۳	ایدئولوژی
۱۴	روش‌شناسی
۱۷	تولید دانش
۲۰	نظریه‌پردازی در جغرافیای انسانی
۲۲	فضا
۲۷	مکان
۳۳	طبیعت
۳۷	جمع‌بندی
۳۸	فصل دوم: مکتب‌های جغرافیایی؛ از آغاز جغرافیای مدرن تا پایان دهه ۱۹۵۰
۳۸	مقدمه
۴۲	جغرافیای اکتشافات
۴۲	جغرافیای جبرگرا
۴۵	جغرافیای منطقه‌گرا
۴۷	جمع‌بندی
۴۹	فصل سوم: مکتب‌های جغرافیایی؛ از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰
۴۹	مقدمه
۵۰	علم فضایی و جغرافیای پوزیتیویستی
۵۹	جغرافیای رفتاری
۶۴	جغرافیای انسان‌گرا
۷۱	جغرافیای ساختاری
۷۹	جغرافیای مارکسیستی
۹۴	جغرافیای فمینیستی
۱۰۱	جمع‌بندی

فصل چهارم: مکتب‌های جغرافیایی: از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا کنون

۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	منابع الهام رویکردهای نظری در جغرافیای امروز
۱۰۴	جغرافیای انتقادی
۱۱۱	جغرافیای پست‌مدرن
۱۳۹	جغرافیای پسااستعمارگرا
۱۴۱	جغرافیای پسااستعمارگرا و ساختارشکن
۱۵۰	جمع‌بندی
۱۶۴	پیوست ۱: چکیده مکتب‌های جغرافیایی در دوران معاصر
۱۷۰	پیوست ۲: متن‌های کلیدی در جغرافیا
۱۷۴	منابع
۱۷۵	نمایه
۱۸۹	واژه‌نامه
۱۹۸	

پیشگفتار

تاریخ «علم جغرافیا» سرشار از انواع نظریه‌هاست که از سوی نظریه‌پردازان این رشته ارائه شده است. به طوری که ما امروز می‌توانیم آنها را دسته‌بندی نموده و به مطالعه هر یک بپردازیم. این کتاب مکتب‌های جغرافیایی را از دوره ظهور «جغرافیای مدرن» به این سوی می‌گیرد. به نظر اکثر جغرافیدانان، از جمله استودارت (۱۹۸۴)، کلاک (۱۹۹۱)، پیت (۱۹۸۵)، گریگوری (۱۹۸۹)، هاروی (۱۹۸۴)، هدسون (۱۹۷۷) و جانستون (۱۹۸۳)، آغاز «جغرافیای مدرن» از اواخر قرن نوزدهم است. یعنی دوره‌ای که جغرافیدانان شروع به استفاده از روش‌های «علمی» در مشاهده، طبقه‌بندی و مقایسه بین مردم و جوامع مختلف می‌کنند.

با نگاهی اجمالی بر تاریخ مکتب‌های جغرافیایی و ردیابی آن تا زمان کنونی کاملاً روشن است که جغرافیدانان چه تلاش‌های قابل توجهی در زمینه نظریه‌پردازی داشته‌اند که نتیجه همه آنها، آن دسته‌های فکری و نظری است که ما امروز بدان «اندیشه جغرافیایی» می‌گوییم و هویت رشته را ملهم از آنان می‌پنداریم. در ایران جغرافیدانان بسیاری بوده و هستند که با وجود منابع بسیار محدود، به مباحث نظری در جغرافیا علاقه دارند و آن را با شور و اشتیاق دنبال می‌کنند و دائماً به دنبال کسب تجربه‌های جدید شناخت‌شناسی هستند. بخشی از این علاقه به ویژگی‌ها و دغدغه‌های شخصی فرد برمی‌گردد و بخشی دیگر نیز می‌تواند به دلیل آشنایی با آثار منتشرشده در این زمینه، اظهار علاقه به یک متفکر و نظریه‌پرداز، و یا تجربه‌ی حضور در جلسات گفتاری و مباحثاتی شکل گرفته باشد.

با این حال، افراد دیگری نیز وجود دارند که از نظریه بیزارند و یا چندان اهمیتی بدان نمی‌دهند. این عدم تمایل به مباحث نظری در این دسته از افراد می‌تواند ناشی از یک تجربه بد از خواندن آثار در این زمینه و یا دلایل فردی و اجتماعی باشد. و یا اینکه هنوز دلیلی نیافته‌اند که نسبت به اهمیت و مفید بودن نظریه قانع شده باشند. برخی دیگر نیز وجود دارند که تظاهر به علاقه یا همه‌چیزدانی در این زمینه می‌کنند. این افراد پاسخ‌هایشان به صورت از قبل آماده است و گاهی نیم‌نگاهی هم به برخی گفته‌ها درباره نظریه‌ها دارند. آنها غالباً متوقع‌اند در اندک زمانی و بدون اتلاف وقت برای نظریه‌های به‌دردنخور یا بد، میدان بحث را بدست گیرند و حساب آن کسانی که مدعی‌اند در این راه استخوان خرد کرده و عمری با دغدغه‌های نظری سر کرده‌اند را در چند جمله و برچسب «ایسم» مختومه اعلام کنند.

اینکه جغرافیدانانی را می‌توان دید که دغدغه‌ی درک ماهیت و مناسبات جامعه‌شان را دارند یا می‌خواهند جور دیگر ببینند تا زوایای دیگری از جامعه بر آنان آشکار شود، شاید عمری که به پای «جغرافیا» می‌گذارند هیچ‌گاه قابل مقایسه با آن کسانی نباشد که خود را انسان‌هایی «کاربردی» تعریف می‌کنند و نظریه برای آنها صرفاً در حد بخش مبانی نظری در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هاست.

اما «نظریه» چه ما آن را دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم در جان ما تنیده است. چه کسانی که جسارت دارند و آشکارا بیان‌اش می‌کنند و چه کسانی که از آشکارشدنش بیم دارند و چه کسانی که صرفاً جستجوگر ایسم‌ها از درون دیگران‌اند. «نظریه» در هر حال، بخش جدایی‌ناپذیر جغرافیدان بودن و جغرافیایی اندیشیدن است. «نظریه» نه تنها برای خود جغرافیدانان که به شیوه «جغرافیایی» آموزش دیده‌اند و تفکر می‌کنند، بلکه برای افرادی که از دیگر رشته‌ها با ویژگی‌های خاص آن به درون رشته جغرافیا وارد می‌شوند از اهمیت بالایی برخوردار است. جغرافیدانان در هر حال، به سبک خودشان به جهان می‌نگرند و نظریه‌های خاص خودشان را دارند، بنابراین، راه‌حل‌هایی را هم که ارائه می‌دهند می‌تواند متفاوت با راه‌حل‌های پیشنهادی از سوی دیگر علوم باشد.

در این کتاب سعی بر آن بوده تا از یک سو به نظریه فراتر از «توزی‌ها» و «ایسم‌ها» نگریسته شود و از سوی دیگر دلایلی برای متقاعدسازی افراد دچار تردید نسبت به سودمندی و اهمیت نظریه در جغرافیا و برون‌رفت از سردرگمی درباره «ماهیت جغرافیا» ارائه شود. وقتی چنین به نظریه در جغرافیا می‌نگریم خشونت و کینه‌توزی در مباحث نظری جایی ندارد و از نظریه نه برای درهم کوبیدن بلکه انتقادهای سازنده استفاده می‌شود. در چنین موضعی نسبت به نظریه‌ها، آنها صرفاً «شیوه‌های جغرافیایی دانستن»^۱ هستند و نه چیز دیگر. بر این اساس هر نظریه‌ای به عنوان یکی از انواع تفکر درباره آن چیزی پنداشته می‌شود که سبب تولید دانش جغرافیایی می‌شود و همچنین آن شیوه‌ای که می‌توانیم برای تولید دانش جغرافیایی در پیش بگیریم.

م. ش.

تهران- ۱۳۹۴